

# پونا اعضاء در آئینه فقه

بار ویکردی بر پونا اعضاء محکومین به اعدام

مؤلفین:

دکتر زهره نیکفر جام

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) تهران

سیدرضا محقق

دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی

📖 نام کتاب: پیوند اعضا در آئینه فقه با رویکردی بر پیوند اعضا محکومین به اعدام

✍️ مولفین: دکتر زهره نیکفرجام، سید رضا محقق

📖 طراحی جلد و کتاب آرایه: معصومه حسین پور

📍 ناشر: گنجینه خرد، ۰۹۱۲۷۶۳۳۱۹۱

📄 شمارگان: ۲۵۰ نسخه

📅 نویت: چاپ اول - اسفند ۱۳۹۵

📑 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۰۹-۱-۶

💰 قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

---

عنوان و پدید آورندگان: پیوند اعضا در آئینه فقه با رویکردی بر پیوند اعضا محکومین به اعدام /  
دکتر زهره نیکفرجام، سید رضا محقق

مشخصات نشر: تهران؛ گنجینه خرد

مشخصات ظاهری: وزیری

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: پیوند اندام‌ها و بافت‌ها (فقه)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۰۹-۱-۶

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ن ۹ پ ۱۹۸/۶ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۵۸۸۶

مرکز بخش: تهران، میدان انقلاب، تالار بزرگ کتاب، پلاک ۳۲، دستگاه آرمان علم

تلفن: ۸۷ و ۶۶۴۰۶۲۸۵

۷	.....	چکیده
۹	.....	مقدمه
۱۵	.....	<b>فصل اول: تعاریف و مبانی نظری</b>
۱۶	.....	گفتار اول- تعاریف و مفاهیم کلی
۱۶	.....	عضو
۱۸	.....	اهداء
۱۸	.....	وصیت
۱۹	.....	ولایت
۲۰	.....	مماثلت
۲۱	.....	مرگ
۲۲	.....	اعدام
۲۴	.....	مرگ مغزی
۲۵	.....	گفتار دوم- تاریخچه اهداء عضو
۲۷	.....	گفتار سوم- مبانی نظری
۲۹	.....	گفتار چهارم- ماهیت حقوقی اهداء عضو
۳۱	.....	<b>فصل دوم: شرایط و احکام پیوند عضو</b>
۳۲	.....	گفتار اول- شرایط پیوند عضو
۳۲	.....	احراز مرگ مغزی
۳۴	.....	رضایت طرفین
۳۶	.....	گفتار دوم- احکام پیوند عضو
۳۶	.....	شرط مماثلت و اهمیت آن
۴۸	.....	اهداء عضو محکوم به اعدام
۶۲	.....	مزایای اهداء عضو محکوم به اعدام
۶۳	.....	دیدگاه فقها در مورد اهداء عضو
۶۶	.....	قائلین به عدم جواز قطع عضو از بدن محکومین به اعدام
۷۰	.....	قائلین به جواز قطع عضو از بدن محکومین به اعدام
۷۲	.....	پیوند اعضاء محکومین به اعدام در حقوق ایران و برخی کشورها
۷۷	.....	همکاری نهادهای درمانی
۷۸	.....	تشریفات اداری

۷۹.....	تهیه عضو پیوندی از کفار مبتلا به مرگ مغزی.....
۸۲.....	<b>فصل سوم: نقش وصیت و ولایت در جواز اهداء عضو</b>
۸۳.....	گفتار اول- وصیت به اهداء عضو.....
۸۵.....	جواز وصیت به اهداء عضو.....
۸۵.....	اختیارات انسان پس از مرگ.....
۸۹.....	حلیت جان و مال مسلمان با رضایت او.....
۹۳.....	عدم جواز وصیت به اهداء عضو.....
۹۳.....	ملک نبودن اعضای بدن.....
۹۴.....	عدم ضرر برداشتن اعضا از مردگان.....
۹۵.....	بروز مانع برای تجهیز میت.....
۹۵.....	عواقب منفی اجتماعی.....
۹۷.....	اعلام رضایت محکم من اعلام.....
۹۸.....	دیه جداسازی اعضای بدن.....
۹۹.....	خرید و فروش اعضای پیوندی.....
۱۰۰.....	مقتضای اصل عملی در پیوند اعضا.....
۱۰۱.....	گفتار دوم- ولایت در اهداء عضو.....
۱۰۱.....	حدود تصرف انسان در نفس خویش.....
۱۰۵.....	عناوین تجویز پیوند عضو.....
۱۰۵.....	اضطرار.....
۱۰۷.....	اذن حاکم شرع.....
۱۰۸.....	اذن قبلی.....
۱۰۹.....	اذن اولیاء.....
۱۱۱.....	احیاء نفس.....
۱۱۲.....	عناوین عدم جواز پیوند عضو.....
۱۱۲.....	حرمت مثله کردن.....
۱۱۳.....	حرمت هتک و جنایت بر مرده.....
۱۱۴.....	وجوب تعجیل در دفن مردگان.....
۱۱۴.....	نظر برخی آیات عظام در خصوص اهداء عضو.....
۱۱۷.....	نتیجه گیری.....
۱۲۰.....	منابع.....

## چکیده

پیوند به بدن مسلمان جهت درمان و حفظ حیات و سلامت وی، استفاده از اعضا و اجزای بدن خودش، حیوانات، جسد غیر مسلمان زنده (به شرط آنکه حیاتش به مخاطره نیفتد و راضی باشد) جایز است. ولی استفاده از جسد مسلمان جایز نیست، مگر در موارد اضطرار که حفظ جان مسلمانی متوقف بر آن باشد. برابر مقررات شرعی و قانونی، قطع عضو از بدن انسان زنده برای پیوند به خود و دیگری به شرط: اهمیت و رضایت دهنده عضو، عدم امکان تهیه عضو از منابع دیگر، انقضا عضو با هدف عقلایی و بدون پیامدهای از کارافتادگی کلی و مرگ دهنده جایز است. قابلیت اجرای کیفر اعدام نفس از طریق اهدای عضو مقوله‌ای بدیع و در عین حال تأثیرگذار در پاسداری از موهب سلامت حیات انسانی می باشد. مشروعیت بهره‌گیری از این شیوه نیازمند کاوش در آراء و اندیشه‌های فقهی است. مشهور فقهای امامیه بر این باورند که شیوه‌ی اجرای کیفر در اعدام نفس موضوعیت نداشته و مازاد، باید به گونه‌ای اجرا گردد که کمترین میزان رنج را بر جانی تحمیل نماید. در مقابل، برخی سیکر از آنها بر این اعتقادند که برابری و مماثلت در کیفیت و شیوه‌ی اجرای کیفر با جنایات ارتكابی شرط است. به اعتقاد این دسته از فقها، تمامیت جسمانی قاتل، پس از ارتكاب جنایت در اختیار اولیای دم قرار گرفته و ایشان در اجرای اعدام نفس با توجه به خصوصیات جنایت ارتكابی از اختیار تام برخوردار می باشند.

با پذیرش دیدگاه مشهور، لزوم مماثلت در کیفیت مجازات جنایت ارتكابی منتفی گردیده و می توان اعدام نفس را با بهره‌گیری از شیوه‌هایی که کمترین میزان رنج را به بزهکار تحمیل می نمایند اجرا نمود. به همین جهت است که مشهور فقهای امامیه از سویی بر اجرای اعدام نفس از طریق شمشیر برنده تأکید نموده و از دیگر سو نیز شیوه‌های نوینی را که با معیار ارائه گردیده مطابق می باشد، مورد پذیرش قرار داده‌اند. بنابر این به نظر می رسد بتوان در اجرای کیفر اعدام نفس از شیوه‌ی اهدای عضو نیز بهره برد.

**کلید واژه‌ها:** اهداء عضو، اولیای دم، مماثلت، وصیت، ولایت.

## مقدمه

پیوند اعضا یکی از موضوعات اساسی مورد مطالعه در حقوق پزشکی است که به واسطه گسترش فن اوری های نوین پزشکی، منجر به تحولات گسترده ای در دنیای حقوقی و بالاخص حقوق پزشکی گردیده است.

بحث حقوق محکومان به اعدام و از جمله حق اهدای اعضای بدن پیش از اجرای مجازات مرگ موضوع نسبتاً جدیدی است که حقوق دانان در سراسر دنیا با آن دست به گریبانند. در ایران هم مختصراً به این بحث پرداخته شده و پرسش و پاسخ هایی در مورد اخلاقی بودن اعطای اجازه به محکوم برای اهدا کردن عضو بدن خود و چگونگی اجرای آن صورت گرفته است.

امروزه عضو مردمان برین، پیوند و اهدا از سه راه متعارف قابل تأمین است: مصنوعات پزشکی، بدن حیوانات و بدن انسان. استفاده از مصنوعات پزشکی، مانند آنچه در انواع جراحیهای ترمیمی پوست به کار می رود یا طعمت لیزی و شبه فلزی که به جای استخوان (در شکستگی پا و غیره) در بدن قرار داده می شود، و نیز استفاده از اجزای بدن حیوان زنده یا مرده ای که تذکیر شده باشد (مانند پیوند و اهدا چشم از حیوان به انسان) از نظر فقهای همه مذاهب جایز است و هیچ منع شرعی بر آن وجود ندارد.<sup>۱</sup>

استفاده از اعضای بدن انسان برای پیوند و اهدا، در صورت دارد: یا متعلق به خود شخص است و یا از بدن شخص دیگری گرفته می شود.

صورت اول یعنی متعلق به خود شخص باشد، به شرط رضایت حاکم شخص و بیشتر بودن نفع مترتب بر پیوند و اهدا نسبت به ضرر ناشی از قطع عضو، از نظر فقهای اهل سنت جایز است در مورد جواز پیوند و اهدا عضو جدا شده از بدن انسان به بدن خود او، اگر این قطع عضو بر اثر حادثه یا جنایت رخ داده باشد، نیز بحثی نیست؛ اما چنانچه قطع عضو ناشی از اجرای حد یا اعدام باشد درباره آن اختلاف نظر هست. سابقه این موضوع به صدر اسلام بازمی گردد و در روایات اسلامی و منابع

<sup>۱</sup> پورجوهری، علی، پیوند اعضا در آيينه فقه، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۹۳

<sup>۲</sup> بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهية، ج ۳، نشر الهادی، ص ۱۳۱

فقهی مطرح شده است. بنا به نظر برخی فقها<sup>۱</sup> این پیوند و اهدا برخلاف فلسفه حدود و اعدام است و ازینرو جایز نیست؛ در مقابل، برخی قایلند که دلیلی بر عدم جواز پیوند و اهدا وجود ندارد، زیرا با اجرای حکم اعدام، تکلیف شرعی ساقط شده است. نظر دیگری<sup>۲</sup> نیز هست که بین حق الله و حق الناس فرق می گذارد و ضمن جایز شمردن پیوند و اهدا در مورد اول، نسبت به مورد دوم، با رعایت برخی شرایط، قایل به جواز است.

صورت دوم عبارت است از برداشت عضو از بدن یک انسان جهت پیوند و اهدا به بدن انسانی دیگر که خرد دو حالت دارد: برداشت عضو از بدن شخص زنده و برداشت عضو از بدن شخص مرده. در حالت اول، شرط مورد اتفاق همه فقها<sup>۳</sup> رضایت شخص اعطاکننده عضو و لازمه نافر بودن چنین رضایتی، دارد. بودن شرایط عمومی تکلیف، از جمله بلوغ و عقل است. بنابراین جدا کردن عضوی از بدن کودک نابالغ<sup>۴</sup> مجنون، به منظور پیوند و اهدا آن به بدن انسانی دیگر، حتی با اذن ولی او جایز نیست، زیرا اولاً - ولی بر کودک و مجنون تا این اندازه سعه ندارد.

نوع عضو و وضع فرد اعطاکننده آن نیز باید در نظر گرفته شود، از جمله این که اگر عضو مورد نظر از اعضای اصلی بدن، مانند قلب یا مغز است و برداشت آن به مرگ شخص بیانجامد یا جان او را به خطر بیندازد، به رغم رضایت خود او برداشت آن عضو به اتفاق همه فقها<sup>۵</sup> حرام و مصداق خودکشی است. همچنین چنانچه برداشت یک عضو به نفس جلدی بدن بیانجامد (مانند برداشت چشم یا قطع یک پا) یا زیان مهمی به آن وارد کند، غالباً<sup>۶</sup> به این کار را حرام و مصداق اضرار به نفس می دانند. بر همین اساس، در صورتی که برداشت عضو به اضرار جانی یا نفسی نزنند و حیات مسلمانی متوقف بر آن باشد و از راه دیگری نیز قابل تأمین باشد، اهداء آن اعضاء یک کلیه به کسی که نیاز به آن دارد، در جایز بودن آن اختلاف چندانی نیست.

حالت دوم، برداشت عضو از بدن شخص مرده برای پیوند و اهدا به بدن شخص زنده است. قطع عضو بدن مرده مسلمان از آن رو که مصداق مثله کردن و هتک حرمت مؤمن است حرام

<sup>۱</sup> حر عاملی، شیخ محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۹، دارالاحیاء التراث العربی، ص ۱۷۲

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۷۳

<sup>۳</sup> پورجوهری، همان، ص ۱۹۷

<sup>۴</sup> حسینی سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۵۳

است و در چندین حدیث از آن<sup>۱</sup> نهی شده است. در این باب نیز تفاوتی میان آرای فقهای مذاهب اسلامی وجود ندارد اما در شرایطی خاص، جدا کردن اعضای بدن مرده جایز است که مهمترین آنها حفظ جان یک مسلمان باشد. بعلاوه، لازم است که رضایت شخص مرده از طریق وصیت او احراز شود یا اولیای میت پس از مرگش اجازه برداشت عضو را بدهند؛ هرچند برخی فقها با استناد به این که در موارد ضرورت و منحصر بودن راه حفظ جان مسلمان به پیوند و اهدا عضو بدن مرده مسلمان به او، قطعاً شارع اجازه برداشت عضو را داده است، به طور کلی وصیت یا اذن اولیای میت را شرط نمی‌بندند. در هر حال، مستند اصلی جواز برداشت عضو بدن مرده مسلمان و پیوند و اهدا آن به بدن شخص زنده، اهمیت حفظ جان مسلمان و ترجیح آن بر حرمت جدا کردن عضوی از بدن مرده است.

همچنین، برخی «ریفان»<sup>۲</sup> توبه به این که مستند اصلی حرمت قطع عضو بدن مرده مسلمان لزوم حفظ کرامت مؤمن و «تکریم نفس» است و از طرفی، امروزه تلقی عرفی از قطع عضو بدن میت برای پیوند و اهدا آن به بدن شخص زنده در رنگون شده است، به طوری که این امر، دیگر نه تنها توهین به میت نیست بلکه اقدامی انسانی به شما، مرید، حرمت آن را نفی کرده‌اند؛ با این حال، در مواردی که قطع عضو بدن میت فقط برای سلامتی یک مسلمان - و نه حفظ جان او - لازم شود، نسبت به جواز یا عدم جواز برداشت عضو مرده، اختلاف نظر وجود دارد، برخی فقها نیز نظر قطعی در این باره نداده‌اند.<sup>۳</sup>

از تعبیرات و استدلالهای فقهای می‌توان دریافت که قطع عضو بدن میت، به منظور پیوند و اهدا آن به شخصی دیگر، چنانچه فایده‌ای فرعی و غیراساسی داشته باشد، جایز است. البته طبق نظر برخی فقها پس از برداشت عضو بدن مرده مسلمان، حتی در صورتی که قطع آن جایز نبوده، پیوند و اهدا آن به بدن شخص زنده جایز است.<sup>۴</sup>

مسئله دیگری که در این مبحث مطرح است مرگ مغزی است. به اعتقاد شماری از فقیهان، مرگ مغزی مصداق «مرگ حقیقی» است و بنابراین حکم قطع عضو افرادی که دچار مرگ

<sup>۱</sup> بجنوردی، همان، ص ۸۳

<sup>۲</sup> خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، انتشارات صدوق، ص ۱۰۷

<sup>۳</sup> خوبی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج دوم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ص ۱۷۶



مغزی می شوند، در همه موارد مانند حکم قطع عضو بدن میت است. در مجموع، می توان گفت که غالب فقیهان نسبت به مسئله پیوند و اهدا اعضاء، جز در فروع و جزئیات آن، نظر مساعد دارند.<sup>۱</sup> دومین جهت بحث فقهی پیوند و اهدا اعضاء ناظر به آثار و ابعاد مالی آن است، که در آن هرنوع ردوبدل شدن پول و مانند آن میان گیرنده و اعطاکننده عضو غالباً در قالب ديه برای عضو میت و دادوستد برای عضوی از انسان زنده بررسی می شود. درباره تعلق ديه به قطع عضوی از مرده مسلمان و پرداخت کننده ديه و همچنین کسی که ديه متعلق به اوست، نظر یکسانی وجود ندارد. بنا به نظر مهمان شیعه جدا کردن عضو بدن مسلمان بدون اذن و وصیت وی، حتی در صورتی که حفظ جان مسلمانی بر آن متوقف باشد، ديه دارد. اما در تعلق گرفتن ديه در صورت اذن و وصیت میت، اعراض از این که برای حفظ جان یا سلامتی مسلمانی باشد، اختلاف هست.

بنا به نظر برخی فقها، از جمله اهل سنت، خرید و فروش عضو قطع شده به استناد ادله حرمت فروش مردار و عدم مالیت آن حائز نیست. این استدلال ناظر به مواردی است که منفعتی عقلایی بر این کار مترتب نباشد و امر به باتوجه به منافع حیاتی حاصل از پیوند و اهدا اعضاء و ارزش و مالیت عضو قطع شده، غالباً خرید و فروش را جایز دانسته اند. با این همه، نظر بیشتر فقها آن است که این پول نه در عوض خود عضو و فروش آن، بلکه در برابر اجازه برداشت عضو یا رفع ید کردن از عضو جدا شده پرداخت شود.

سومین جهت عمده بحث فقهی پیوند و اهدا اعضاء بررسی مسئله هارت و نجاست و مردار بودن عضو پیوند و اهدای است. در فقه اسلامی عضو جدا شده از بدن انسان و حیوان، اگر از اعضای دارای حیات باشد، نجس است مگر آن که آن عضو از بدن انسان جدا شود که بعد از مردن غسل داده شده یا عضوی از حیوانی حلال گوشت باشد که تذکيه شده است.

به این ترتیب، در مواردی که پیوند و اهدا با یک عضو اصطلاحاً «مردار» صورت می گیرد، پرسش طهارت و نجاست پیش می آید و به تبع آن چند حکم فقهی، مانند احکام نماز، مطرح می شود. بیشتر فقها بر این نظرند که پس از پیوند و اهدا عضو به بدن شخص زنده و جاری شدن حیات

<sup>۱</sup> همان، ص ۵۷

<sup>۲</sup> آخونی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۷۲

در آن، این عضو از آن شخص زنده و طاهر است و نباید، حتی به استاد قاعده یا اصل استصحاب، در این حالت نسبت به پاک بودن این عضو شک کرد؛ اصل حاکم در این باب، اصل طهارت است.<sup>۱</sup> با همه این‌ها اهدای عضو یک مسئله ظریف اخلاقی سیاسی و اجتماعی است. همان‌طور که عمل پیوند اعضا حساسیت خود را دارد، انتخاب در مورد اهداکننده و دریافت‌کننده عضو نیز ظریف و حساس است.

همان‌طور که پیشتر در این نوشته ذکر شد، مسئله اهدای عضو محکوم به اعدام مبحثی جدید در علم حقوق است و بحث و گفت‌وگوهای فراوانی می‌طلبد. پیچیدگی اخلاقی این موضوع نیز در راستای معرفت علم پزشکی و بحث در مورد مجازات اعدام ابعاد تازه‌ای یافته‌است. به نظر می‌رسد تعریف عالمت و برای آن پیچیده‌تر از گذشته شده و توجه به حقوق محکوم نیز از موارد مهم آن است. در راستای همین نگاه سوال پرسیدن در مورد اخلاقی بودن اعطا یا عدم اعطای اجازه برای اهدای عضو محکوم به اعدام نیز ضروری به نظر می‌رسد.

بیش از نیم قرن از آن هنگام که نخستین عمل پیوند عضو در ایران انجام شد می‌گذرد و در دوران کنونی پیشرفت‌های نوین علوم پزشکی در زمینه‌ی پیوند اعضا به انسانهای بسیاری حیات بخشیده‌است. ورود و توسعه علوم مرتبط با پیوند اعضا کشور ما همواره مباحث نوین بسیاری را به همراه داشته که قابلیت یا عدم قابلیت اجرای اعدام نیز از طریق اهدای عضو از آن جمله‌اند. به رغم اهمیت موضوع، در منابع فقهی و حقوقی معتبر موجود، بحث مستقلی در این باب مشاهده نمی‌شود. از این رو در این نوشتار، تکیه بر استدلال‌ها و استنباط‌های فقهی و حقوقی از اولویاتی ویژه برخوردار است و در مورد امکان اجرای اعدام نفس از طریق اهدای عضو و رضایت اولیای دم و نقش وصیت در این خصوص بررسی می‌کنیم.